

## دو ولادت برای امام حسین(ع) / سیدالشهدا معلم آزادگی تاریخ است

ابن ابی الحدید می گوید سید آزادگان و معلم آزادگی در تاریخ امام حسین(ع) است. او کسی است که به همه مردم درس غیرت و عزت داد و مرگ در زیر سایه شمشیر را به زندگی با ذلت ترجیح داد.

ابن ابی الحدید می گوید سید آزادگان و معلم آزادگی در تاریخ امام حسین(ع) است. او کسی است که به همه مردم درس غیرت و عزت داد و مرگ در زیر سایه شمشیر را به زندگی با ذلت ترجیح داد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: بزرگداشت اعیاد و مناسبت های مذهبی در روایات و منابع دینی ما مورد تاکید قرار گرفته است. در روایتی امام صادق (ع) شیعیان را اضافه گل اهل بیت می خواند. امام صادق (ع) در این مورد می فرماید «شیعتنا جز منا، خلقوا من فضل طینتنا، یسوءهم ما یسوءنا، ویسرهم ما یسرنا» یعنی شیعیان ما از ما هستند و از فرزونی طینت ما آفریده شده اند ناراحتی ما آنان را اندوهگین می سازد و شادمانی ما آنان را شادمان می سازد.

شهید سیدمحمد باقر صدر در یادداشتی در مجله «الأضواء» به مناسبت ولادت امام حسین (ع) می نویسد: «اندیشه دینی و رهبری، بنیان اساسی وجود یک امت و تعیین ابعاد مکانی و زمانی آن است. عامل رهبری در قهرمانان دین، کسانی چون حسین علیه السلام و دیگر شاگردان؛ رهبر اعظم، رسول خدا صلی الله علیه وآله نمایان می شود؛ کسانی که بنیان بشری امت را تأسیس، راهش را روشن و معین و اندیشه را مجسم کردند و پشتوانه؛ ای از آرمان و ایثار را برایش فراهم نمودند. حال که امت با ولادت اندیشه آرمانی و رهبری که آن اندیشه را به ظهور می رساند، متولد می شود؛ پس طبیعی است که امت اسلامی روزی مانند این روز مبارک را جشن بگیرد؛ چراکه ولادت حسین و پدر حسین علیهما السلام به نوعی به معنای ولادت خود امت است.

اگر روز مبعث روز ولادت اندیشه ای آسمانی است که در دین بزرگ اسلام ظهور یافته، پس این ایام مبارک ولادت [معصومین علیهم السلام] روزهایی است که رهبران فرخنده دین را به آن عطا و بدین وسیله بنیان اساسی وجود امت را تکمیل کرده است و از پی آن، اندیشه با رهبری پیوند خورده و در نتیجه، امتی به وجود آمده که بهترین امتی است که برای مردم پدیدار شده است.

بنابراین، بزرگداشت حسین علیه السلام در روز ولادت یا شهادت یا در ایام حماسه بزرگ زندگی او، برای ما تنها یادآوری یک گذشته باشکوه نیست، بلکه این مناسبت؛ ها بیانگر جزئی از بنیان اساسی وجود یک امت است؛ از این رو وقتی امت اسلام در مناسبت؛ های مربوط به امام حسین و امام علی علیهم السلام و دیگر مناسبت؛ های اسلامی، به برپایی آیین؛ های اسلامی می پردازد، در واقع وجود خودش را به عنوان یک امت تحکیم می کند و توجهش را به عناصر اساسی این وجود بیشتر می نماید.»

لذا بزرگداشت ولادت اهل بیت (ع) برخلاف دیدگاه وهابیت نه تنها بدعت نیست بلکه باعث تحکیم امت اسلامی و توجه به بنیان های اساسی امت اسلامی می شود. به همین بهانه به مناسبت سوم شعبان و سالروز ولادت امام حسین (ع) با دوتن از کارشناسان دینی به گفتگو نشستیم.

حجت الاسلام محمد جعفر مروّجی طیبسی، استاد حوزه و دانشگاه در مورد رویداد ولادت حضرت سیدالشهدا (ع) و همچنین نقاط مهم و مورد نظر در باب مناقب وجودی ایشان، در روایات معصومین (ع) گفت: بنا بر روایات وارده، میلاد مبارک حضرت سیدالشهدا (ع)، مقارن با سوم شعبان المعظم سال چهارم هجری، در شهر مقدس مدینه به وقوع پیوسته است. کنیه مبارک ایشان اباعبدالله و مادر گرامی ایشان حضرت صدیقه طاهره (س) هستند. بنا به روایات و منابع، در هنگام تولد حضرت سیدالشهدا (ع)، نبی مکرم اسلام (ص) چگونگی و نحوه شهادت ایشان را بیان می دارند و به همین سبب و بنا به توصیه حضرت روح الامین (ع)، نام مبارک حسین (ع) را برای ایشان برمی گزینند.

وی ادامه داد: از مهمترین رویدادهای مربوط به دوران کودکی حضرت سیدالشهدا (ع)، می توان به نزول آیه شریفه مباحله در باب وجودی ایشان اشاره داشت. قرآن کریم در این باب می فرماید: «مَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ»؛ در روایات وارد است که در زمان مباحله، حضرت رسول اکرم (ص)، دست مبارک حسنین (ع) را گرفتند و جهت روایوی با مسیحیان نجران، از منزل خارج شدند. این جایگاه رفیع هم در لسان راویان حدیث شیعی تبیین شده است و هم در گنبد اهل سنت منعکس است.

امام حسین بحق، ادامه دهنده راه و مسلک رسالت نبی خاتم (ص) است. از این جهت است که در منابع روایی آمده است: «الاسلام محمدی الوجود حسینی البقاء»

وی افزود: باز در همین باب از لسان مبارک حضرت رسول (ص) در باب وجود حضرت سیدالشهدا (ع) مروی است که ایشان فرمودند: «حُسَيْنٌ مِیِّی وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»؛ این حدیث شریف را می توان از جهات مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

مروجی طبسی گفت: یک جنبه این حدیث این است که سیدالشهدا (ع) فرزند دختر پیامبر (ص) است و به همین سبب، به نبی مکرم (ص) متصل هستند، اما؛ جنبه مهم دیگر این حدیث این است که، حسین (ع) از مرام و منش نبی اکرم (ص) است. تنها توجیه این بیان این است که استمرار دهنده روش و بینش نبی اکرم (ص) بر می گردد به قیام و نهضت سیدالشهدا (ع). در واقع هم اوست که بحق، ادامه دهنده راه و مسلک رسالت نبی خاتم (ص) است. از این جهت است که در منابع روایی آمده است: «الاسلام محمدی الوجود حسینی البقاء».

وی افزود: در رابطه با وجود مقدس ائمه معصوم (ع) می بایست دقت داشت که اساساً؛ اگر امروزه در سراسر جهان، نام و نشانی از اسلام و قرآن کریم پابرجا مانده است، فقط و تنها فقط، مرهون مجاهدت ها و جانفشانی ها و فداکاری های این بزرگواران و بخصوص وجود مبارک سیدالشهدا (ع) است. امروزه اگر در جهان نامی از دودمان خبیث و ملعون بنی امیه نمانده است، تنها بر اثر فداکاری ها و قیام سالار شهیدان است.

وی ادامه داد: این خون پاک و مطهر دُرْدانه صدیقه طاهره (س) بود که طومار این خاندان یاعی و گردنکش را درهم پیچید و این شجره ملعونه را به زباله دان تاریخ انداخت. جناب ابو عبدالله یاقوت حموی رومی بغدادی؛ متوفی سال ۶۱۲ در کتاب «معجم البلدان» جلد سوم، در روایتی بیان می دارد: «لُعِنَ عَلِيٌّ عَلِيٌّ بِنِ ابِي طَالِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ؛ عَلِيٌّ مِنْابِرِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ وَلَمْ يَعلَنَ عَلِيٌّ مِنْبِرِهَا إِلَّا مَرَّةً وَهُوَ يُلَعِّنُ عَلِيٌّ مَنَابِرِ الْحَرَمِينَ فِي مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ»؛ یعنی حضرت امیر (ع) در منبرهای شرق و غرب بلاد اسلام و علی الخصوص در حرمین شریفین، مورد لعن و نفرین قرار می گرفتند و بدون تردید مؤسس این رویه نامبارک شخصی نبود جز معاویه بن ابی سفیان. در همین باب این حَجَّرَ عَسْفَلَانِي، می نویسد: این لعن و دشنام حدود شصت سال ادامه داشت. این مطلب یعنی اینکه پیوسته رویه و مسلک بنی امیه، طرد و مطرود نگه داشتن یاد و خاطره اهل بیت (ع) در ذهن و خاطر مردم می بوده و جانفشانی و روشننگری حضرت سیدالشهدا (ع) می بود که این رویه را منقطع کرد.

وی در پاسخ به این سوال که سیدالشهدا (ع) چگونه توانست چهره فاسد و دورغین حکام ظالم را برملا نماید، گفت: سوال اساسی در این باب شاید این باشد که چه کسی توانست در برابر این هتاکی ها و بی احترامی ها بایستد. به واقع پاسخ این سوال امری نیست جز قیام حضرت سیدالشهدا (ع) و ایستادگی ایشان در برابر طاغوتیان و عصیانگران بنی امیه. در اندک زمانی بعد از وقوع حادثه عاشورا و شهادت سالار شهیدان (ع)، دودمان قدرقدرت بنی امیه که خود را قدرت بلامنازع جهان اسلام می پنداشتند، متلاشی شد و چیزی جز خاطره ننگین از این خاندان سَقَاک، در تاریخ بر جای نماند.

در باب نهضت سیدالشهدا (ع) این نکته را باید بیان کرد که اگر این قیام صورت نمی گرفت، به تحقیق تا مدت های مدید، حاکمیت فاسد بنی امیه ادامه پیدا می کرد و این رویه نامطلوب، تمام ارکان فکری و نظری اسلامی را نابود می کرد

مروجی طبسی گفت: در باب نهضت سیدالشهدا (ع) این نکته را باید بیان کرد که اگر این قیام صورت نمی گرفت، به تحقیق تا مدت های مدید، حاکمیت فاسد بنی امیه ادامه پیدا می کرد و این رویه نامطلوب، تمام ارکان فکری و نظری اسلامی را نابود می کرد. اگر در آن دوران و مردمان آن زمان، میلیاردها میلیارد، درهم و دینار هزینه می کردند تا نظام بنی امیه را ساقط نمایند نمی توانستند همچون قیام سیدالشهدا (ع) ارکان حاکمیت بنی امیه را متزلزل نمایند. در باب نهضت سیدالشهدا (ع) این نکته را نیز می بایست بیان کرد که اگر این قیام صورت نمی گرفت، به تحقیق تا مدت های مدید، حاکمیت فاسد بنی امیه ادامه پیدا می کرد و این رویه نامطلوب، تمام ارکان فکری و نظری اسلامی را نابود می کرد.

وی ادامه داد: در تاریخ آمده است که یزید، فاسق ترین و سَقَاک ترین حاکم بنی امیه بوده است که از هیچ فسق و معصیتی رویگردان نبوده است. در شدت خبائث او آمده است که او با اشعاری که می خواند در واقع اصل نبوت و رسالت

را زیر سوال می برد و اساساً نزول وحی را قبول نداشت.

وی افزود: این جرثومه فساد می گفت: «لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ». یعنی، اولاد هاشم؛ برای جاه و مقام قیام کردند و نه خبری از سوی خداوند آمده است و نه وحی ای بر پیامبر (ص) نازل شده است. او ریختن خون سیدالشهدا (ع) را به تلافی خون های ریخته شده مشرکین در جنگ بدر مطرح می کرد و می گفت: «یوم بیوم بدر» یعنی این روز، در ازای روز جنگ بدر بر خاندان رسول اکرم (ص) تحمیل شد.

وی گفت: به واقع؛ بهترین معنایی که در باب نهضت عظیم سیدالشهدا (ع) می توان بیان داشت همین بیان حضرت امام خمینی (ره) است که فرمودند: «این محرم است که اسلام را زنده نگه داشته است». به حق؛ اگر قیام سیدالشهدا (ع) در سال ۶۱ هجری صورت نمی گرفت؛ چه بسا با رویه الحادی ای که بنی امیه دنبال می کرد، دیگر نام و نشانی از اسلام باقی نمی ماند. ما شیعیان می بایست بدانیم که همگی، مدیون آن خون پاک و مطهر هستیم.

مروجی طبسی افزود: اگر این مطالب در مجامع اسلامی مکرر و پیوسته بیان می شد، قطعاً امروزه با هنجارشکنان و ددمنشان وهابی رو به رو نبودیم. مطرح نشدن این مبانی اصولی، جریان های تکفیری را اسیر وسوسه های ایادی گفر کرده است و این طور برداشت می کنند که عناد و دشمنی با اهل بیت (ع) باعث سعادت و پاداش الهی آنها می گردد. این عده؛ علناً از یزید ملعون حمایت می کنند و دشمنان اهل بیت (ع) را محق برمی شمارند.

وی در پایان گفت: این القائن نادرست از صدراسلام وجود داشته و تنها تنویر و ترویج اندیشه ائمه هدی (ع) است که می تواند دغدغه مندان دین را، به سرمزل سعادت و سلامت رهنمون سازد. نسل آینده به شدت نیازمند این روشنگری ها و حقایق تاریخی هستند. ما موظفیم نقاب از چهره این مدعیان دروغین برداریم و می بایست پی جویی این معارف ناب، سرلوحه تمامی ارکان های اجرایی و آموزشی کشور قرار گیرد.

حجت الاسلام حسینی قمی نیز با بیان اینکه در سوم ماه شعبان دو ولادت برای سیدالشهدا نقل شده است، گفت: این دو ولادت یکی در سال چهارم هجرت، ولادت از مادری گرانقدر مثل حضرت صدیقه (س) و ولادت دوم در سال شصتم از هجرت، ورود حضرت به مکه در سوم شعبان است که آغاز نهضت و قیام سیدالشهدا است.

وی ادامه داد: روایتی از حضرت مسیح داریم که ملاصدرا در شرح اصول کافی این روایت را نقل کرده است «لَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ مَنْ لَمْ يُؤَلِّدْ مَرَّتَيْنِ» کسی که دو ولادت نداشته باشد در ملکوت آسمان ها راه پیدا نمی کند. همه ما انسان ها باید دو ولادت داشته باشیم. سیدالشهدا این دو ولادت را داشت و هر دو هم در سوم شعبان بود.

این کارشناس دینی گفت: امام حسین چند روز مانده به پایان ماه رجب به صورت شبانه از مدینه بیرون آمدند و سوم شعبان به مکه رسیدند. تمام ماه شعبان و رمضان و شوال و ذیقعده را در مکه سپری کردند و هشتم ذیحجه بعد از خطبه ای تاریخی از مکه به سمت کربلا حرکت می کنند.

وی با بیان این سوال که چرا امام حسین از مدینه خارج شدند؟ گفت: در تحلیل ها اینگونه می گویند که امام حسین نمی خواست با یزید بیعت کند چراکه والی مدینه از امام بیعت با یزید را طلب کرده بود. قطعاً علت اصلی حرکت امام حسین (ع) این مسئله نبوده است چون امام می توانست از مدینه بیرون بیاید و همانطور که برخی پیشنهاد کرده بودند به نقطه دوردستی رود که دست یزدیان به امام نرسد.

حسینی قمی ادامه داد: گاهی جواب دومی داده می شود و گفته می شود علت حرکت امام این بود که کوفیان از امام درخواست کرده بودند و امام می خواست دعوت کوفیان را بی پاسخ نگذارد. این عامل نیز عامل صحیح و اصلی نیست چراکه اگر مسئله دعوت کوفیان مطرح بود چرا حضرت پس از شهادت حضرت مسلم (ع) که معلوم شد کوفان بیت شکنی کردند به راه خود ادامه دادند؟

عامل اساسی در قیام سیدالشهدا این است که ما در زیارتنامه حضرت می خوانیم «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

وی افزود: عامل اساسی در قیام سیدالشهدا این است که ما در زیارتنامه حضرت می خوانیم «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» لذا این عبارت عامل مهمی است که امام حسین دلیل حرکت خود می خواند. چه منکری بود که امام باید جان خود را فدا کند؟ چه منکری بالاتر از حکومت اموی و خلافت یزید؟

حسینی قمی گفت: اگر حرکت امام بر اساس امر به معروف و نهی از منکر بود آیا امام در این هدف به پیروزی رسید یا نه؟ آیه ای سوره غافر می فرماید «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» یعنی ما پیامبران و مؤمنان را یاری می کنیم، هم در دنیا و هم در قیامت.

وی ادامه داد: سوالی که مطرح است این است که آیا این وعده الهی تحقق پیدا کرد؟ آیا انبیا و مؤمنین در دنیا پیروز شدند؟

این کارشناس دینی گفت: یکی از مفسرین اهل سنت به نام سید قطب در کتاب «فی ظلال القرآن» جواب زیبایی با تحلیل قیام امام حسین دارد که در جواب به این سوال است. او با اشاره به این آیه فوق می گوید اینهمه انبیا را کشتند و شکنجه کردند در کجا پیامبران پیروز شدند؟ آیا ابراهیم را که در آتش انداختند پیروز نشد؟

سیدقطب می گوید «قَمَا مِنْ شَهِيدٍ فِي الْأَرْضِ تَهْتَرُ لَهُ الْجَوَانِحُ بِالْحُبِّ وَالْعَطْفِ» هر کس خونس بر زمین ریخته شد دل های همه مردم عالم از سر محبت و عاطفه برای آن شهید به لرزه می آید، آیا آن پیروزی نیست؟

وی ادامه داد: او عبارتی در مورد سیدالشهدا دارد که می گوید «قَمَا مِنْ شَهِيدٍ فِي الْأَرْضِ تَهْتَرُ لَهُ الْجَوَانِحُ بِالْحُبِّ وَالْعَطْفِ» هر کس خونس بر زمین ریخته شد دل های همه مردم عالم از سر محبت و عاطفه برای آن شهید به لرزه می آید، آیا آن پیروزی نیست؟ «وَتَجِيشُ بِالْغَيْرَةِ وَالْفِدَاءِ» هر شهیدی که خونس بر زمین می ریزد غیرت و فداکاری ها را به جوش می آورد، این پیروزی نیست؟ «كَالْحُسَيْنِ رِضْوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَسْتَوِي فِي هَذَا الْمُتَشَيِّعُونَ وَغَيْرِ الْمُتَشَيِّعِينَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَكَثِيرٌ مِنْ غَيْرِ الْمُسْلِمِينَ» این مفسر اهل سنت می گوید آیا حسین پیروز نشد؟ در پیروزی سیدالشهدا و دریافت پیام حضرت، فقط شیعه ها نیستند بلکه شیعیان و غیر شیعیان و نه فقط مسلمانان بسیاری از غیر مسلمانان پیام پیروزی و ایستادگی و جوانمردی و مردانگی را از امام حسین گرفتند. لذا امام حسین هم در دنیا و هم در قیامت پیروز شد. سید قطب می گوید چه بسا کسانی که اگر هزار سال عمر می کردند نمی توانستند پیام خود را جاودانه کنند اما با شهادت پیام جاودانه می شود.

وی افزود: برخی دو اشتباه در پیروزی می کنند اول اینکه گمان می کنند پیروزی در زمان محدودی باید به نتیجه برسد. دومین اشتباه این است که برخی تصور می کنند پیروزی فقط در غلبه ظاهری خلاصه می شود در حالی که پیروزی در عقیده و طرز تفکر هم مطرح است. آیا اگر کسانی فکرشان را جاودانه کردند پیروز نیستند؟ در کشورهای مختلف برای سیدالشهدا عرض ارادت می شود امام جمعه لندن می گفت بیش از صد مجلس در لندن به زبان های مختلف برگزار می شود و این دلیلی بر جاودانه شدن آن حضرت است.

وی گفت: ابن ابی الحدید می گوید «سید أهل الإباء الذی علم الناس الحمیة و الموت تحت ظلال السیوف اختیارا له علی الدنیه» یعنی سید آزادگان معلم آزادگی در تاریخ امام حسین است. او کسی است که به همه مردم درس غیرت و عزت داد و مرگ در زیر سایه شمشیر را به زندگی با ذلت ترجیح داد.

ابن ابی الحدید می گوید «سید أهل الإباء الذی علم الناس الحمیة و الموت تحت ظلال السیوف اختیارا له علی الدنیه» یعنی سید آزادگان معلم آزادگی در تاریخ امام حسین است. او کسی است که به همه مردم درس غیرت و عزت داد و مرگ در زیر سایه شمشیر را به زندگی با ذلت ترجیح داد

حجت الاسلام حسینی قمی با طرح این سوال که ما امروز چه تکلیفی داریم؟ گفت: امر به معروف و نهی از منکر دو واجب فراموش شده است. امام باقر فرمودند «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يُتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاوُونَ يَتَّقَرُّوْنَ وَيَتَنَسَّكُونَ خِدَانًا سَقِيهًا لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا مَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الصَّرَرَ، يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرِّخَصَ وَالْمَعَادِيرَ» یعنی در آخر الزمان مردمی آیند که در میان آنان عده ای ریاکار و مدعی قرآن دانی و عبادت گزارى پیرویشان کنند و ناپخته و سبک سرند، آنان امر به معروف و نهی از منکر را فقط زمانی واجب می دانند که گزندى به آنها نرسد و برای خود عذرها و بهانه ها می تراشند.

وی در پایان اظهار داشت: خداوند به شعيب وحی کرد من صد هزار نفر از قوم تو را گرفتار عذاب می کنم که چهل هزار نفر آنها انسان های بدی هستند و مستحق عذاب اند اما شصت هزار نفر هم از خوبان عذاب می شود. شعيب از خدا سوال خوبان چرا عذاب شوند؟ خطاب شد چون با اهل معصیت مدارا کردند و بر آن سکوت کردند. لذا ولادت دوم امام حسین که در ابتدا اشاره کردم بر اساس امر به معروف و نهی از منکر بود.